

## لایه‌نگاری تپه نمشیر در بانه: محوطه‌ای در غرب ایران

**امیر ساعدموچشی \***

استادیار دانشگاه پیام‌نور همدان  
amir80sm@yahoo.com

**مرتضی زمانی دادانه**

دانش آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی گلستان

**محسن قاسمی**

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی و عضو هیأت‌علمی مؤسسه آموزش عالی گلستان

**زاهد کریمی**

گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد ابهر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۳۰  
(از ص ۴۳ تا ۶۲)

### چکیده

تپه نمشیر، در شهرستان بانه، در شمال غربی استان کردستان و در غرب ایران واقع شده است. گمانه‌زنی در این تپه به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم و نیز لایه‌نگاری آن، توسط اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کردستان، به‌سرپرستی زاهد کریمی در سال ۱۳۹۱ به انجام رسید. هدف مقاله‌ی حاضر، ارائه‌ی نتایج کاوش لایه‌نگاری، با توجه به اهمیت داده‌های به‌دست آمده از آن است. در منطقه‌ی غرب استان کردستان، گمانه‌زنی به‌منظور لایه‌نگاری انجام نشده است که این امر بر اهمیت پژوهش حاضر می‌افزاید. شناخت مواد فرهنگی منطقه‌ی شمال غرب استان کردستان از جمله اهداف این پژوهش است. در این فصل، شش گمانه کاوش شد که دو گمانه‌ی A و B جهت لایه‌نگاری آن انجام شد. با توجه به سفال‌ها و داده‌های به‌دست آمده از این تپه، به‌نظر می‌رسد که سه فاز از دوره‌ی مس‌وسنگ و بخش‌هایی از عصر آهن و دوره‌ی اسلامی را داراست. در این پژوهش، داده‌های به‌دست آمده از کاوش لایه‌نگاری، پس از ثبت و ضبط، مورد طبقه‌بندی و مقایسه قرار گرفته است؛ براساس پژوهش حاضر، دوره‌های مس‌وسنگ قدیم تا جدید، عصر آهن و دوره‌ی اسلامی شناسایی شد و سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ نشان‌دهنده‌ی وجود سنت‌های مشابه شمال غرب ایران و زاگرس مرکزی و تا حدودی شمال بین‌النهرین است. براساس کاوش تپه نمشیر می‌توان وجود سبک‌های بومی را برای منطقه‌ی بانه نسبت به اکثر مناطق استان کردستان در دوره‌ی مس‌وسنگ جدید مطرح کرد. سفال‌های عصر آهن، متأثر از سفال‌های منطقه‌ی شمال غرب ایران و استان کردستان است. سفال‌های دوره‌ی اسلامی نیز تحت‌تأثیر سنت سفال قهوه‌ای غرب ایران است. موقعیت تپه نمشیر که در مجاورت شمال غرب ایران و شمال بین‌النهرین واقع شده است، در وجود سنت‌های مختلف نقش بسزایی داشته و بر اهمیت لایه‌نگاری‌های منطقه‌ای برای شناخت توالی‌های بومی تأکید دارد.

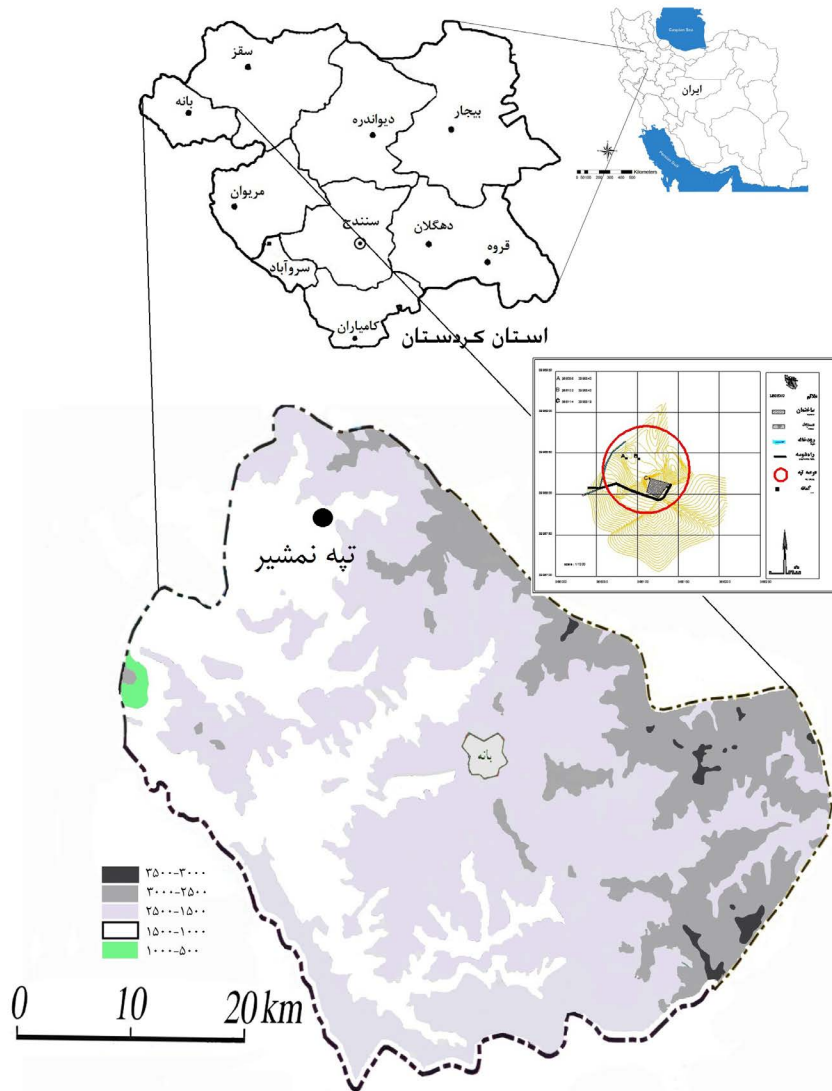
**کلیدواژه‌گان:** تپه نمشیر، کاوش لایه‌نگاری، استان کردستان.

## مقدمه

در کاوش محوطه‌هایی که در منطقه‌ی شمال غرب و غرب ایران صورت گرفته، سنت‌های مختلفی از دوران پیش‌ازتاریخ شناسایی شده است. در استان کردستان نیز چندین محوطه متعلق به دوره‌ی مس‌وسنگ کاوش شده‌اند که مواد فرهنگی به‌دست آمده از آن‌ها غالباً با سنت‌های زاگرس مرکزی شباهت دارد. در کاوش تپه نمشیر واقع در شهرستان بانه، در شمال غرب استان کردستان که همجوار مناطق شمال غرب ایران و شمال بین‌النهرین است، سنت‌های دوره‌ی مس‌وسنگ شامل دالما، دوره‌ی پس از دالما با سفال‌های نخودی منقوش و نیز سنت سفال‌های موسوم به «کاهرو» یا سنت بومی «شمال بین‌النهرین» شناسایی شد؛ از محوطه‌ی مذکور علاوه‌بر این، سفال‌های عصر آهن و دوره‌ی اسلامی نیز به‌دست آمده است. وجود این سنت‌ها در تپه نمشیر و تشابه آن‌ها با مناطق شمال بین‌النهرین و شمال غرب ایران، اشاره و وجود تفاوت‌های سبکی را در استان نشان می‌دهد. این تفاوت در سنت‌های پس از دوره‌ی IV نمشیر بارزتر است.

## موقعیت جغرافیایی شهرستان بانه و تپه نمشیر

شهرستان بانه، یکی از شهرستان‌های مرزی استان کردستان به مرکزیت شهر بانه است که در موقعیت جغرافیایی ۴۵ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۵ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه‌ی عرض شمالی واقع شده است. این شهرستان با مساحت ۱۴۵۲/۳۹ کیلومتر مربع در شمال غربی استان کردستان و در فاصله‌ی ۲۴۲ کیلومتری شمال غربی سنندج قرار گرفته است (زارعی، ۱۳۸۶: ۳۵). شهرستان بانه، از شرق به شهرستان سقز، از شمال به شهرستان سردشت (استان آذربایجان غربی) و از جنوب و جنوب غربی به کردستان عراق محدود می‌گردد (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کردستان، ۱۳۹۰: ۲۲). ارتفاعات شهرستان بانه را می‌توان بخشی از ادامه‌ی کوه‌های غربی ایران دانست که در شمال به ادامه روند حاکم بر کوه‌های آذربایجان غربی و کوه‌های ترکیه و شمال عراق مرتبط است (همان: ۵). ارتفاعات شمالی شهرستان بانه در بیشترین قسمت به بیش از ۲۵۰۰ متر می‌رسد، اما هر چه از سمت شمالی به طرف مرکز و جنوب شهرستان پیش می‌رویم از ارتفاعات این شهرستان کم می‌شود. توپوگرافی ضلع جنوبی این ارتفاعات را دشت‌های کم‌وسعت و دره‌های باز تشکیل می‌دهند. پست‌ترین نقطه‌ی استان کردستان، بخش آلوت است که در بخش شرقی شهرستان بانه و در نزدیکی مرز با عراق واقع شده است. تپه نمشیر با موقعیت "56.00' 7' 36° عرض شمالی و "4.00' 44' 45° طول شرقی با ارتفاع ۱۳۳۶ متری از سطح دریاهای آزاد در روستای نمشیر، حدود ۳۳ کیلومتری شمال غربی شهر بانه و در مسیر شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی قرار گرفته است. مکان مذکور تحت‌عنوان تپه‌ی قلعه نمشیر با شماره ثبت ۱۲۷۹۸ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۹ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. روستای نمشیر کاملاً بر روی عرصه‌ی تپه نمشیر قرار گرفته و همین عامل تخریباتی را به آن وارد کرده است (تصاویر ۱ و ۲).



► تصویر ۱. موقعیت و توپوگرافی تپه نمشیر در شهرستان بانه (نگارندگان، ۱۳۹۱).



▲ تصویر ۲. تپه نمشیر (نگارندگان، ۱۳۹۱).

### پیشینه‌ی پژوهشی

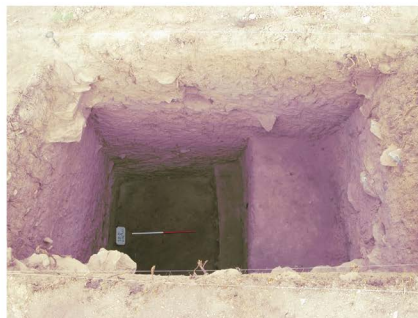
در شهرستان بانه، کاوش‌های لایه‌نگاری اندکی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه قاضی‌خان (کریمی، ۱۳۹۰الف)، لایه‌نگاری و گمانه‌زنی تعیین عرصه و حریم تپه آرم‌ده (کریمی، ۱۳۹۰ب) و لایه‌نگاری و گمانه‌زنی تعیین عرصه و حریم تپه نمشیر (کریمی، ۱۳۹۱) اشاره نمود. بررسی‌های باستان‌شناختی در این شهرستان به فعالیت‌های چند سال اخیر محدود می‌شود (نوری، ۱۳۸۹؛ قمری‌فتیده، ۱۳۸۹). تپه نمشیر در بررسی باستان‌شناختی شهرستان بانه در سال ۱۳۸۹ توسط نادر نوری (نوری، منتشر نشده) شناسایی و در خرداد و تیرماه سال ۱۳۹۱ به سرپرستی زاهد کریمی گمانه‌زنی و لایه‌نگاری شد (کریمی، ۱۳۹۱).

## شرح کاوش

در کاوش تپه نمشیر، ۶ گمانه جهت تعیین عرصه و پیشنهاد حریم و نیز لایه‌نگاری تپه کاوش شد که با نام‌های A، B، C، D، E و F نام‌گذاری شدند. گمانه‌های A و B به‌منظور لایه‌نگاری در نقاطی از تپه که دارای بیشترین لایه‌های فرهنگی بودند، انتخاب شدند و نوشتار حاضر بیشتر براساس داده‌های به‌دست آمده از آن‌هاست (تصویر ۳). سایر گمانه‌ها جهت مشخص شدن عرصه و حریم کاوش شدند. در این بخش به تشریح گمانه‌های کاوش شده و داده‌های فرهنگی به‌دست آمده به‌صورت مختصر پرداخته خواهد شد. شیوه‌ی کاوش به‌صورت لوکوس می‌باشد. **گمانه‌ی A:** این گمانه در بلندترین قسمت ضلع غربی و در منتهی‌الیه تپه نمشیر و در شیب موجود تپه به ابعاد ۲×۳ متر مورد کاوش قرار گرفت. لایه‌ی سطحی گمانه، لایه‌ای از دوره‌ی متأخر اسلامی به ضخامت ۸۰ سانتی‌متر است. با پایان این لایه، رنگ خاک دچار دگرگونی گردیده و از آوارهای سنگی کاسته شده است. رنگ خاک به تیرگی گراییده و تنوع مواد فرهنگی به‌ویژه داده‌های سفالی بسیار افزایش یافت. در این لایه (لایه‌ی III نمشیر) سفال‌های ساده کاهرو که اکثراً ساده هستند ظاهر می‌شود. عمق پایانی این لایه ۳۰۰ سانتی‌متر است. در زیر این لایه، لایه‌ی VI نمشیر با سفال‌های دوره‌ی نخودی ساده و منقوش واقع شده است. این لایه از عمق ۳۰۰ سانتی‌متری شروع و تا عمق ۳۶۵ سانتی‌متری ادامه پیدا می‌کند. تحتانی‌ترین لایه‌ی گمانه‌ی A دارای سفال‌های منقوش و فشاری نوع دالمایی است و از سفال‌های نخودی منقوش خبری نیست. این لایه از عمق ۳۶۵ سانتی‌متری شروع و تا عمق ۵۴۵ سانتی‌متری ادامه می‌یابد (تصاویر ۳ تا ۵).



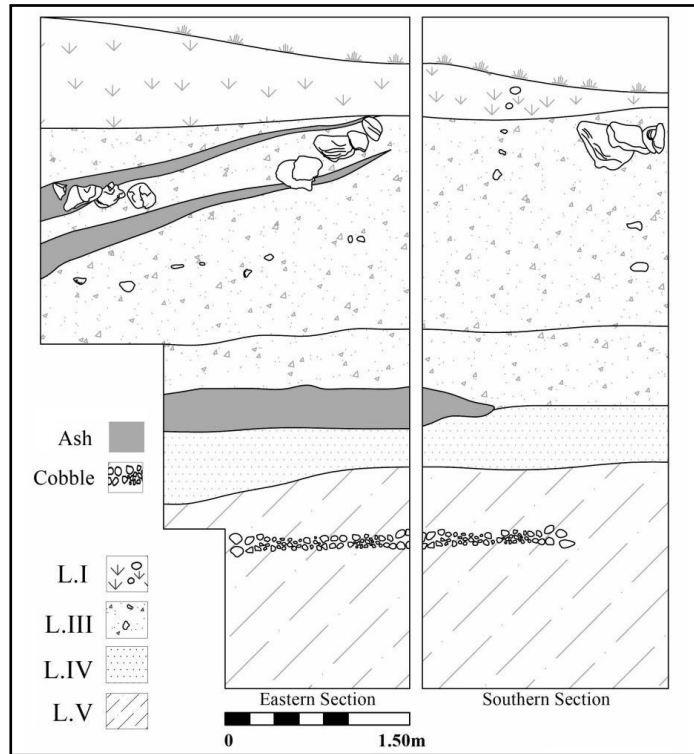
گمانه B



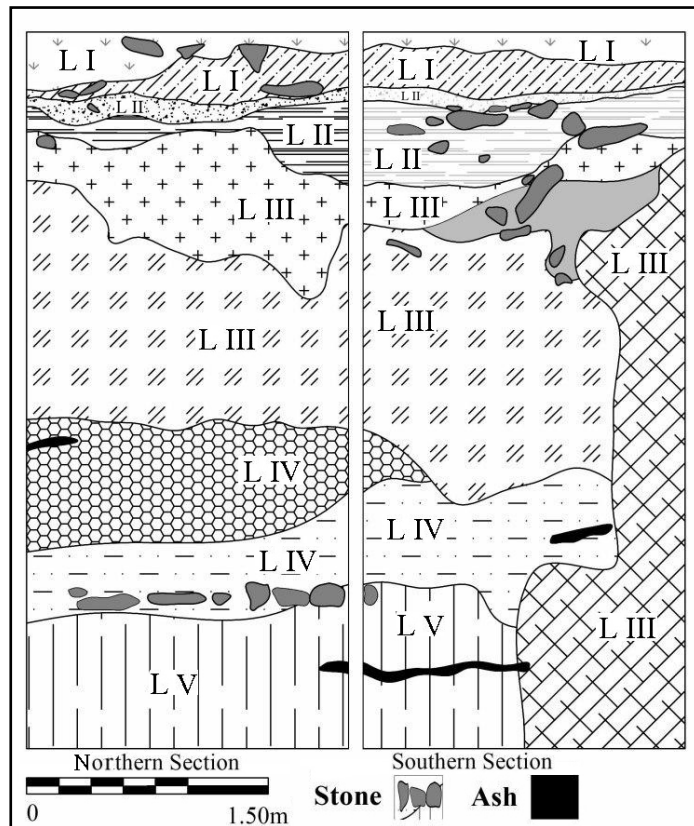
گمانه A

تصویر ۳. گمانه‌های A و B (نگارندگان، ۱۳۹۱).

**گمانه‌ی B:** به‌دلیل وجود آثار و لایه‌های سالم‌تر در مرکز تپه‌ی قلعه نمشیر گمانه‌ای با ابعاد ۲×۲ متر مورد کاوش قرار گرفت (تصاویر ۳ و ۵). در این گمانه، تمام دوره‌های شناسایی شده‌ی تپه نمشیر وجود داشت. این گمانه تا عمق ۵۰ سانتی‌متری دارای لایه‌ای متعلق به دوره‌ی متأخر اسلامی است (نمشیر I). سفال‌ها تا این عمق کاملاً ساده و دارای پوشش گلی هستند. از عمق ۵۰ سانتی‌متری تا عمق ۱۱۱ سانتی‌متری سفال‌های دوره‌ی آهن شناسایی شد (نمشیر II). در این لایه سفال‌های ساده کاهرو دوره‌ی مس‌وسنگ جدید از عمق ۱۱۱ سانتی‌متری شروع و تا عمق ۳۰۰ سانتی‌متری مشاهده می‌شود (نمشیر III). از عمق ۳۰۰ تا عمق ۳۹۰ سانتی‌متری سفال‌های نخودی ساده و منقوش ملاحظه می‌شود (نمشیر IV). تحتانی‌ترین لایه از عمق ۳۹۰ تا ۴۴۵ سانتی‌متری دارای سفال‌های منقوش



گمانه‌ی A



گمانه‌ی B

تصاویر ۴ و ۵. مقطع گمانه‌های A و B (نگارندگان، ۱۳۹۵).

و فشاری دالمایی است. این گمانه نیز تا خاک بکر کاوش شد. هیچ‌گونه موردی دال بر معماری در این بخش از گمانه در دسترس نیست.

**گمانه‌ی C:** این گمانه به ابعاد ۲×۲ متر در ضلع غربی تپه نمشیر و در پشت مسجد روستا جهت تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه مذکور کاوش شد. در این گمانه مواد فرهنگی شامل دیوار و سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید و اسلامی شناسایی شد.

**گمانه‌ی D:** در منتهی‌الیه غربی تپه نمشیر و در جوار معبر عمومی روستا گمانه‌ی D به ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر مورد کاوش قرار گرفت. با برداشت خاک سطحی و در عمق ۵۰ سانتی‌متری از نقطه‌ی ثابت اندازه‌گیری آوارهایی از قلوه‌سنگ مشاهده گردید. در این گمانه سفال‌های متعلق به دوره‌های آهن و اسلامی به‌دست آمد.

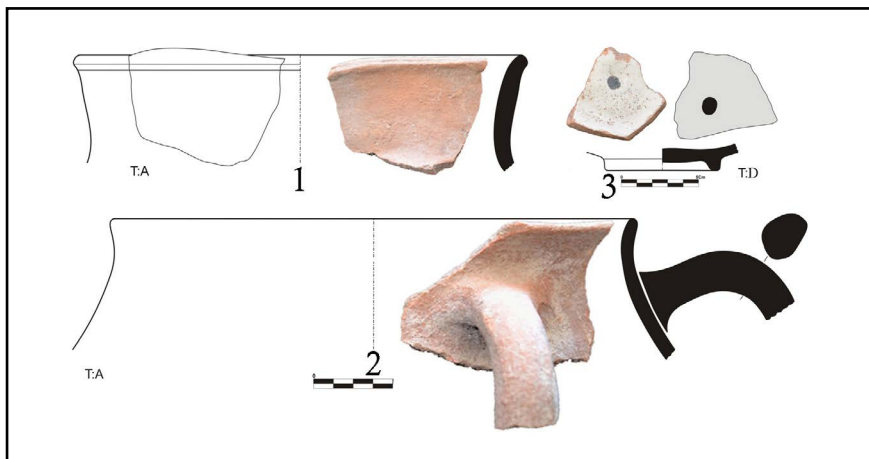
**گمانه‌ی E:** در ضلع شمالی تپه نمشیر و در میان معبر روستا و به فاصله‌ی ۳۰ متری از گمانه‌ی D، گمانه‌ی دیگری در ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر مورد کاوش قرار گرفت. کاوش تا عمق ۸۰ سانتی‌متری ادامه یافت و چند قطعه سفال دوره‌ی اسلامی از آن شناسایی شد.

**گمانه‌ی F:** این گمانه در منتهی‌الیه ضلع جنوبی اثر به ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر تا عمق ۱۵۰ سانتی‌متری مورد کاوش قرار گرفت. در این گمانه تعدادی سفال دوره‌ی مس‌وسنگ جدید به‌دست آمد.

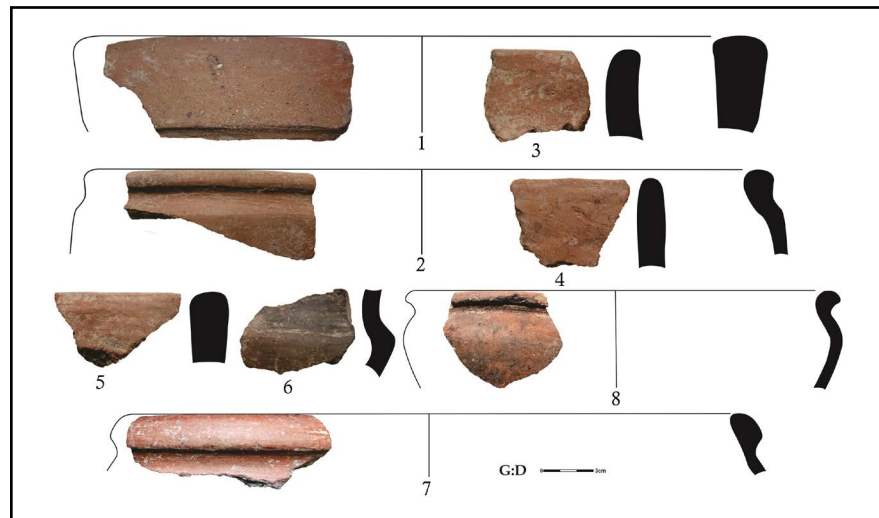
با توجه به موارد فوق‌الذکر به‌نظر می‌رسد، تپه نمشیر به ۵ دوره‌ی زمانی قابل تقسیم‌بندی است و بیش‌ترین لایه‌ها متعلق به دوره‌ی مس‌وسنگ است. در زیر به تشریح لایه‌های به‌دست آمده از آن پرداخته می‌شود.

## نمشیر I

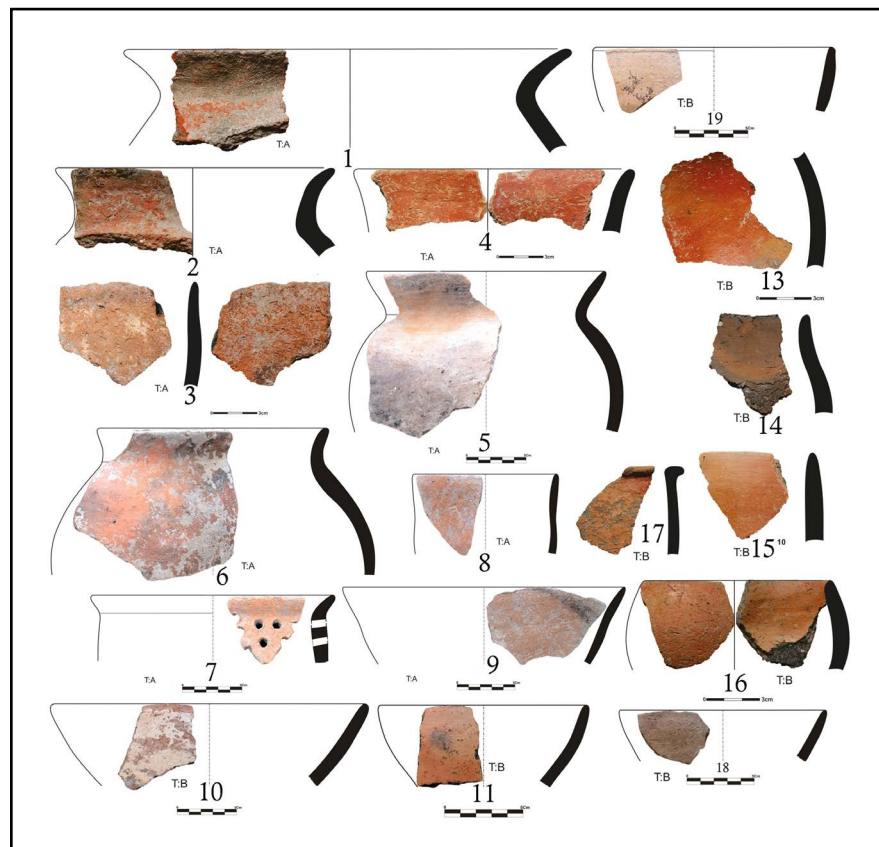
دوره‌ی I نمشیر فوقانی‌ترین لایه است که در کاوش گمانه‌های C، E، D، و A شناسایی شده است. سفال‌های آن دارای خمیره‌ی قهوه‌ایی با شاموت شن است (تصویر ۶). دارای پختی مناسب و دست‌سازند. علاوه‌بر سفال‌های ساده، قطعات سفال لعاب‌دار از نوع نقاشی زیر لعاب نیز مشاهده می‌شود. در این نوع سفال از خمیر بهتری در بدنه‌ی سفال و نیز از تکنیک چرخ در ساخت آن استفاده شده است. لعاب سیاه و سفید رنگ بر روی بدنه‌ی سفال قابل ملاحظه است. قدمت گونه‌های لعاب‌دار به



تصویر ۶. سفال دوره‌ی I نمشیر (دوره‌ی اسلامی)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).

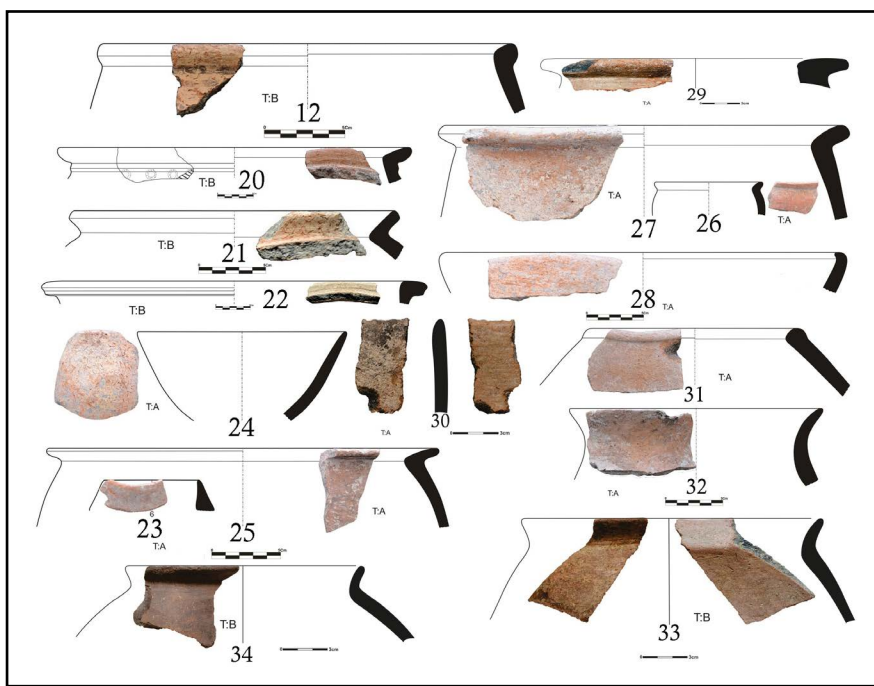


► تصویر ۷: سفال دوره‌ی II نمشیر (دوره‌ی آهن)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).

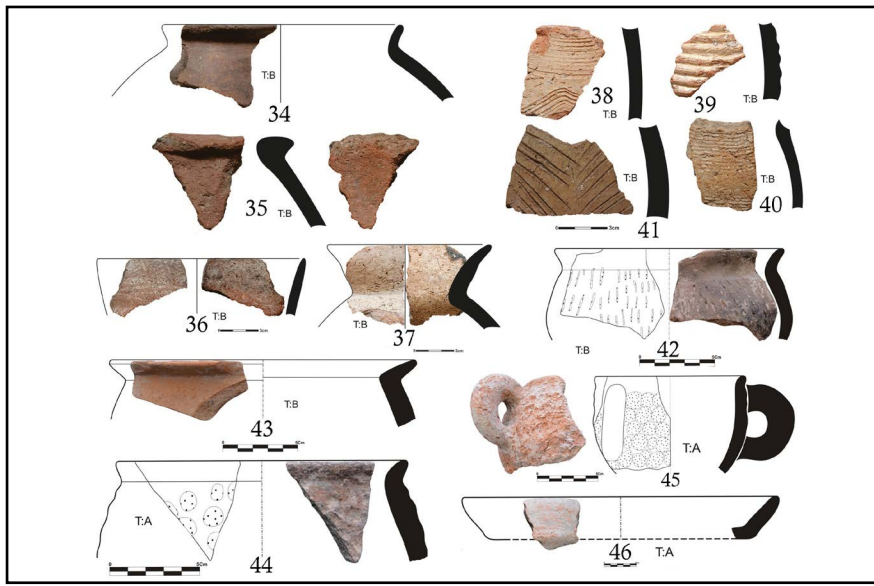


► تصویر ۸: سفال دوره‌ی III نمشیر (دوره‌ی مس و سنگ جدید)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).

اواخر دوره‌ی تیموری و اوایل دوره‌ی صفوی می‌رسد. سفال‌های قهوه‌ای رنگ دارای ویژگی‌های محلی بوده و مشابه سفال‌های کاروانسرای قدیمی بیستون متعلق به قرن ۱۳ و ۱۴ م. است (لوشای شمایسر، ۱۳۸۵: ۲۳۱). در بررسی محوطه‌های مناطق همجوار نظیر دشت شهر زور در شمال عراق نیز این نوع سفال به‌دست آمده (Altaweel et al., 2012: 27) و بازه‌ی زمانی قرن شانزدهم تا قرن بیستم م. برای آن پیشنهاد شده است (Ibid: 3).



تصویر ۹. سفال دوره‌ی III نمشیر (دوره‌ی مس‌وسنگ جدید)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).



تصویر ۱۰. سفال دوره‌ی III نمشیر (دوره‌ی مس‌وسنگ جدید)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).

## II نمشیر

یافته‌های سفالی دوره‌ی II نمشیر معرف دوره‌ی آهن است که در گمانه‌های D و B به رنگ قهوه‌ایی، خاکستری نخودی و نارنجی مایل به قرمز شناسایی شد (تصویر ۷). سفال‌ها با دو تکنیک چرخ و دست ساخته شده‌اند که همگی دارای شاموت شنی بوده که غالباً دارای کیفیت متوسط هستند و نیمی از آن‌ها دارای پخت کافی و نیم دیگر از پخت مناسب برخوردار نیستند. سفال‌ها دارای پوشش غلیظ و سطح صیقلی هستند و از شاموت شنی در بافت آن‌ها استفاده شده است. ظروف با بدنه زاویه‌دار، کاسه‌های با لبه‌ی برگشته به بیرون، بدنه‌ی مدور و گردن کوتاه، ظروف با لبه‌ی برگشته به داخل و گردن کوتاه، و کاسه‌های پهن با دیواره و لبه‌ی ضخیم از



فرم‌های شاخص آن است. سفال‌های آن مشابه لایه‌ی II کول تپه متعلق به دوره‌ی آهن III است (Abedi et al., 2014: fig 55-57).

### نمشیر III

دوره‌ی III در نمشیر با سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید به رنگ خاکستری، نارنجی، قهوه‌ای و قرمز شناخته می‌شود. سفال‌های این دوره ساده است و در خمیره‌ی آن‌ها میزان بالایی کاه و مواد آلی استفاده شده به نحوی که سطح بدنه آن‌ها دارای خلل و فرج‌های فراوانی است (تصاویر ۸ الی ۱۰). این سفال‌ها با نام سفال‌های کاهرو شناخته می‌شود. سفال خاکستری با مغز خمیره به رنگ خاکستری و ماده‌ی چسباننده‌ی کانی ظریف و دست‌ساز شامل دو دسته‌ی ساده و دارای عناصر تزئینی هستند. تزئینات موجود در دوره‌ی III (مس‌وسنگ جدید) در تپه نمشیر تزئینات زیگزاگی خراش‌دار، تزئینات خطوط افقی خراش‌دار، باندهای افقی برجسته، نقطه‌های زیر لبه، و خطوط کنده روی بدنه و شانه‌ی ظرف است. براساس کاوش‌های صورت گرفته در منطقه‌ی شمال بین‌النهرین، پس از دوران عبید، با فرهنگی متفاوت نسبت به جنوب بین‌النهرین به حیات خود ادامه داد. در جنوب بین‌النهرین سنت اوروک رایج شد، در حالی که در منطقه‌ی شمال، سنت مجزای محلی با سفال‌های با تمپر کاه رایج شد (Stein, 2014: 134; 2015: 33-35). نشانه‌های وجود این سنت را می‌توان در تپه نمشیر دید. سفال قهوه‌ای، از دیگر گونه‌های رایج این دوره است. این سفال ۰/۳۵ سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید را تشکیل می‌دهد و مشابه دوره‌ی مس‌وسنگ جدید ۱ و ۲ (۴۵۰۰-۴۲۰۰ ق.م.) شمال بین‌النهرین است. این سفال‌ها را در تپه‌ی سوریژه در شمال عراق (Stien, 2015; 2014)، تپه‌ی حموکار در شمال شرق سوریه (Abu Jayyab, 2012)، لایه‌ی XI-IX تپه گاورا (Tobler, 1950: figs 328-443) می‌توان شاهد بود. در گاهنگاری کول تپه، سفال‌هایی با شاموت گیاهی و کاهرو در دوره‌ی VIB (مس‌وسنگ جدید ۲) و VIA (مس‌وسنگ جدید ۳) دیده می‌شود (Abedi et al., 2014: 37). به‌طور کلی بین مجموعه‌های به‌دست آمده از محوطه‌هایی چون تپه گاورا، حمام‌الترکمن IV-V، نینوا و تل براک شباهت‌هایی دیده می‌شود. مجموعه‌ی گری‌رش لایه IV-IIB دارای سفال‌های کاهرو است (Kepinski, 2011: 65).

دوره‌ی مس‌وسنگ جدید در تل زیدان با دوره‌ی قبل (دوره‌ی عبید) دارای مواد مشترک کمی است. نقوش دوره‌ی عبید ادامه داشت، اما ساده‌تر و بسیار کمتر شد و در انتهای دوره‌ی مس‌وسنگ جدید ۱ ناپدید شد. این دوره بین ۴۵۰۰ تا ۴۲۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری شده است (Stein, 2012: 132). سفال‌های آن دارای شاموت شنی، کاسه‌های خراش‌دار با لبه‌ی مزین و پایه‌های مدور است (Stein, 2012: 133). علاوه‌بر تل زیدان، در دوره‌ی مس‌وسنگ جدید ۱، تپه‌ی سوریژه در شمال بین‌النهرین نیز تزئینات مشابه تپه نمشیر دیده می‌شود (Stein & Alizadeh, 2014: 143). از دیگر ظروف شاخص این دوره در تپه نمشیر ظروف دهانه‌باز با گردنی باریک‌تر است. این سفال‌ها در فاز ۱ حاجی‌نبی (Stein, 2001)، تل‌زیدان (Stein, 2009)، تل حموکار (Ur, 2010: 238)، گاورای XIA/B (Rothman, 2002: 8-16) و گری‌رش لایه‌های IV، III و IIB (Kepinski, 2011) دیده می‌شود.

سفال‌های متوسط تا خشن با شاموت گیاهی، کاسه‌های با لبه‌ی قائم ساده‌ی بدون تزیین، بخش اصلی از مجموعه سفال‌ها است. مجموعه‌ی دیگر کاسه‌های زاویه‌دار با سفال متوسط و ظریف غیرمنقوش است. گونه‌ی بعدی سفال‌های مدوری است که لبه‌ی آن‌ها به داخل برگشته است (Stein, 2012: 1325). براساس کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی در استان کردستان سنت دوره‌ی گودین VII و VI شناسایی شده است (ساعدموچشی، ۱۳۹۰). در کاوش تپه کلنان در شهرستان بیجار، سنت فرهنگی دوره‌ی گودین VII<sup>۱</sup> شناسایی شد که به لحاظ زمانی با بخشی از دوره‌ی نمشیر III همزمان است. براساس مطالعه بررسی‌های صورت گرفته در استان کردستان، سفال‌های نوع گودین VII و VI معرف دوره‌ی مس‌وسنگ جدید این استان بوده در حالی که سفال‌های لایه‌ی III تپه نمشیر تا حدود زیادی مشابه سفال‌های کاهروی شمال غرب ایران و شمال بین‌النهرین است. این سنت در شمال بین‌النهرین بعد از دوره‌ی عبید شروع شده و با سفال‌های دوره‌ی اوروک متفاوت و گسترده‌ی وسیعی از خاورمیانه، شامل: شمال عراق، سوریه، شمال غرب ایران، قفقاز و شرق ترکیه را در برمی‌گیرد. در فاز جدیدتر لایه‌ی III نمشیر علاوه‌بر سفال‌های کاهرو، تعدادی سفال قرمز رنگ نیز دیده می‌شود که تشابهاتی را با سفال‌های منطقه‌ی زاگرس در این دوره نشان می‌دهد (Levine & Young, 1987). یکی از ویژگی‌های لایه‌ی III تپه نمشیر وجود سفال‌های معدود فشاری است. این سفال‌ها دارای خمیره قهوه‌ای، خاکستری و نارنجی و پوشش (کرم رنگ رقیق و قهوه‌ای غلیظ)، و خمیره کانی و آلی است. همین ویژگی‌ها باعث شده تا تزیین آن از یک طرف مشابه سفال‌های زاگرس باشد و از طرف دیگر سایر ویژگی‌های آن مشابه سفال‌های مس‌وسنگ جدید نمشیر (از نوع سفال‌های کاهرو) باشد. در منطقه زاگرس سفال‌های فشاری علاوه‌بر دوره‌ی دالم، در دوره‌های بعد، مانند سه‌گابی و گودین VII در تعدادی محدودتر نیز قابل مشاهده است (Henrickson, 1985).

باربارا هلوینگ در تبیین پیچیدگی اولیه‌ی جوامع مرتفع ایران، فازهای مختلفی را ارائه کرده است که فاز نخست آن با دوره‌ی مس‌وسنگ میانه در فلات ایران (مصادف با سیلک III4-5، قبرستان II و حصار IA/b) و نیز مس‌وسنگ جدید ۲/۳ در شمال بین‌النهرین برابر است (Helwing, 2005: 42). در طول این دوره، نخستین شهرها در شمال دشت‌های سوریه و دره‌های شمال فرات ظاهر شد و به عقیده‌ی وی در همین زمان کوه‌های زاگرس به‌طور گسترده‌ای توسط قبایل کوچ‌نشین مورد استفاده و مسکونی شد (Ibid: 51). شناخت ماهیت استقرار تپه نمشیر III به کاوش‌های گسترده‌تر نیازمند است. تعدادی یافته‌ی کوچک از این دوره در کارگاه A شامل قطعه‌ای از یک شیء سنگی (پاشنه یا پتک سنگی؟)، (تصویر ۱/۱۵)، ابزارهای سنگی شامل تیغه و ریز تیغه (تصویر ۱/۱۵، ۶، ۵، و ۲) به‌دست آمد. به‌جز ابزار شماره‌ی ۶ دیگر ابزارها از جنس افسدین هستند. از کارگاه B یک قطعه‌ی کوچک

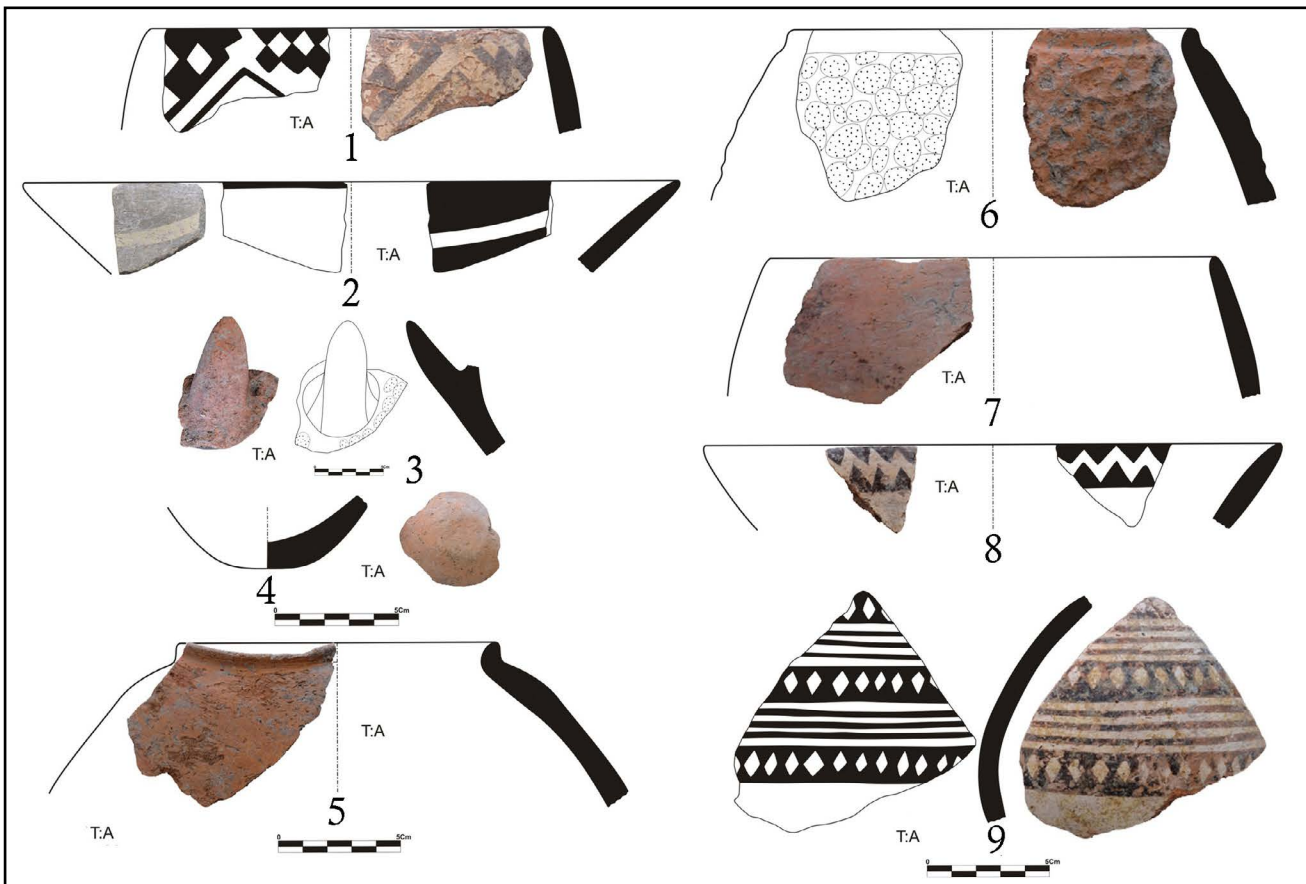
۱. «در مقاله پیشین با عنوان «گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره‌ی مس‌وسنگ میانه در غرب ایران» با توجه به تاریخ‌گذاری به‌دست آمده از کربن ۱۴ تپه کلنان و وجود چند قطعه سفال فشاری و نیز مبنا قرار دادن تاریخ‌گذاری‌های مطلق که برای دوره‌ی مس‌وسنگ زاگرس ارائه شده بود (Henrickson, 1985) مواد فرهنگی این تپه با عنوان دوره‌ی مس‌وسنگ میانه طبقه‌بندی شد (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۰). براساس بازبینی مواد فرهنگی این تپه و به‌خصوص سایر گونه‌های سفالی آن، دوره‌ی مس‌وسنگ جدید (گودین VII) پیشنهاد می‌شود و به‌منظر می‌رسد که تاریخ‌گذاری دوره‌ی مس‌وسنگ غرب ایران به بازنگری نیاز دارد.»

حاوی فلز مس (تصویر ۱۱/۱۵) و سردوک (تصویر ۷/۱۵) به‌دست آمد. همچنین از گمانه‌ی C و در میان سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید یک قطعه ابزار سنگی افسدین (تصویر ۴/۱۵) به‌دست آمد.

#### نمشیر IV

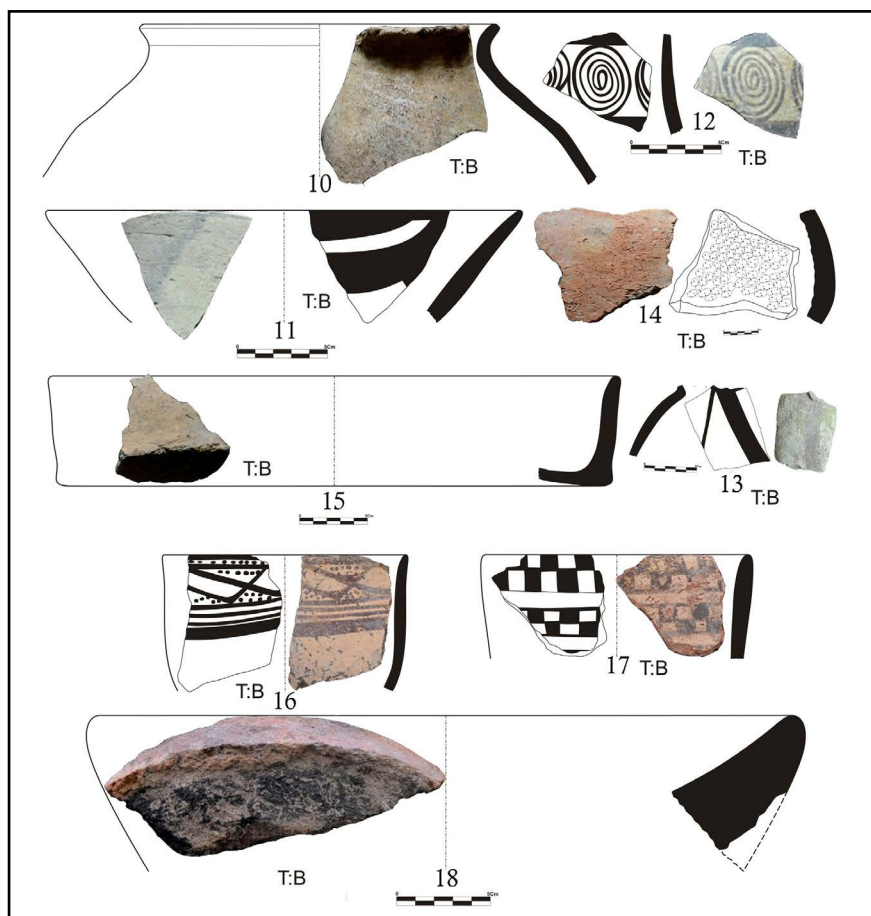
دوره‌ی نمشیر IV دارای سفال‌های نخودی ساده و منقوش است. همین تفاوت باعث شد تا این دوره به‌عنوان فاز مستقل طبقه‌بندی شوند. کاوش‌های گسترده‌تر می‌تواند به تصحیح این طبقه‌بندی کمک کند. سفال‌های دوره‌ی نمشیر IV دارای سفال‌های ساده و سفال‌های نخودی با پوشش سیاه رنگ است (تصاویر ۱۱ و ۱۲). پوشش سفال‌ها به دو شیوه‌ی رقیق و غلیظ و به دو رنگ نخودی و کرم قابل تقسیم‌بندی است. پوشش سفال‌های کرمی رنگ مشابه نمونه‌های عبیدی است. نقوش آن‌ها نیز به رنگ سیاه و نقش‌مایه‌های مشابهی را نیز به نمایش می‌گذارند. رنگ خمیره‌ی این سفال‌ها غالباً نخودی است و در اغلب موارد از پخت مناسبی برخوردارند و نقش‌مایه‌ی آن‌ها شامل خطوط پهن افقی با خطوط زیگزاگ داخل آن، خطوط مارپیچ، خطوط مشبک، لوزی‌ها، نقطه‌ها، مثلث‌های توپر و باندهای افقی با مربع‌های متناوب سیاه و سفید است. از دو نوع شاموت آلی و کانی در

▼ تصویر ۱۱: سفال دوره‌ی IV نمشیر (نگارندگان، ۱۳۹۵).



خمیره‌ی آن‌ها استفاده شده است. تزیینات این گروه در ظروف کوچکتر اجرا شده است. این ویژگی‌ها را می‌توان در سفال‌های بین‌النهرین مانند تپه گاورا (Tobler, 1950) و حمام‌الترکمن (Akkermans, 1988) مشاهده کرد. تعدادی از سفال‌های تپه نمشیر مشابه حمام‌الترکمن IV است (Ibid: 109-110). در میان سفال‌های این لایه سفال‌های مشابه تپه گاورای لایه‌ی XII و XIII که متعلق به دوره‌ی عبید متأخر است، دیده می‌شود (Tobler, 1950: 140-147). نقوش مشابهی چون دواپر پیچ در پیچ مجاور، نقش مستطیل‌ها، و کاسه‌های دهانه‌باز منقوش دیده می‌شود (Tobler, 1950: 167-295 and 506-507). شروع لایه‌ی پنجم تپه حمام‌الترکمن ۴۴۰۰ ق.م. است که با این اوصاف لایه‌های عبیدی آن قدیمی‌تر از این تاریخ است. تشابهات آن‌ها به خمیره محدود نبوده و رنگ پوشش، فرم سفال‌ها، رنگ و موضوع نقوش را شامل می‌شود.

سفال‌های لایه‌ی IV نمشیر با سنت سفال‌های نخودی منقوش زاگرس مرکزی و نیز تا حدودی با سنت عبید در بین‌النهرین مشابه است. سفال‌های مشابه این لایه را می‌توان در دوره‌ی سه‌گابی (گودین IX) تپه سه‌گابی B و نیز فاز سیاه‌بید قدیم در ماهیدشت (Levine & Young, 1987: 30) مشاهده کرد. در تپه نمشیر IV نیز مانند منطقه‌ی زاگرس مرکزی تعداد محدودی سفال فشاری در این دوره وجود دارد. از طرح‌های مشابه آن‌ها می‌توان به سفال‌های با ردیف‌های افقی



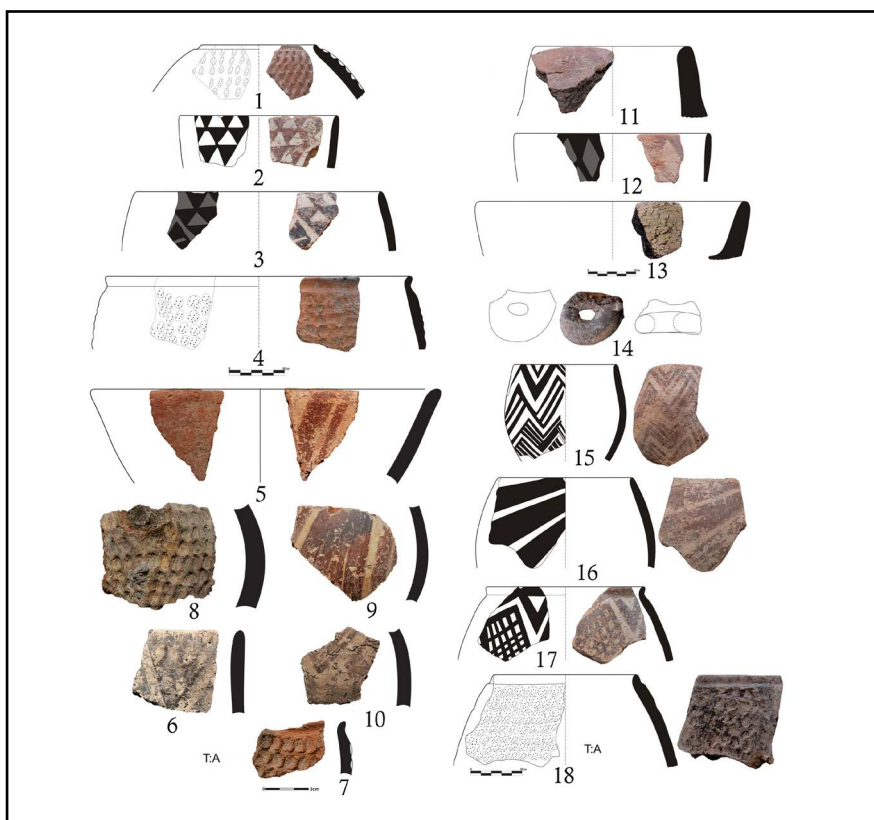
تصویر ۱۲. سفال دوره‌ی IV نمشیر (نگارندگان، ۱۳۹۵). ◀

به همراه تزیینات لوزی، تزیینات نقطه‌ای، ردیف مستطیل‌های داخل ردیف‌های افقی، و نقش زیگزاگ اشاره کرد (Henrickson, 1983: 282-300). یکی از گونه‌های شناسایی شده سفال‌های تپه نمشیر، سفال‌های مشابه سفال‌های سینی پوست‌کنی فرهنگ حاجی فیروز در شمال غرب ایران و حسونا در شمال بین‌النهرین است که متعلق به دوره‌ی نوسنگی جدید است. قطعاً و به‌طور صرف، براساس این تشابه نمی‌توان گاهنگاری تپه‌ی مس‌وسنگ دالما را به دوره‌ی نوسنگی مرتبط دانست، اما نکته‌ی قابل‌تأمل تشابه مواد فرهنگی سنت دالما با سنت حاجی فیروز و نیز شمال بین‌النهرین است. این تشابه قبلاً در مواد فرهنگی کاوش شده تپه کلنان در شرق استان کردستان با سنت مس‌وسنگ جدید مطرح شده است (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۶). وجود ظروف سینی پوست‌کنی علاوه‌بر سنت حاجی فیروز و حسونا در فرهنگ سفال‌های عبید ۱ و ۲ (فرهنگ سامرا) در شمال بین‌النهرین دیده می‌شود (Oates, 2010: 46) که احتمالاً نشانه‌ایی از تداوم این سنت در این مناطق است. در دوره‌ی IV تپه نمشیر نیز نشانه‌هایی از سفال‌های مشابه عبیدی و سفال‌های منقوش سیاه روی نخودی زاگرسی به همراه سفال‌های دالمایی قابل مشاهده است. لایه‌ی VII کول تپه (Abedi et al., 2014: figs 12-14) با لایه‌ی IV نمشیر دارای شباهت‌هایی چون سفال‌های نخودی منقوش است. در هر دو تپه مذکور پس از این فاز سفال‌های کاهرو ظاهر می‌شود.

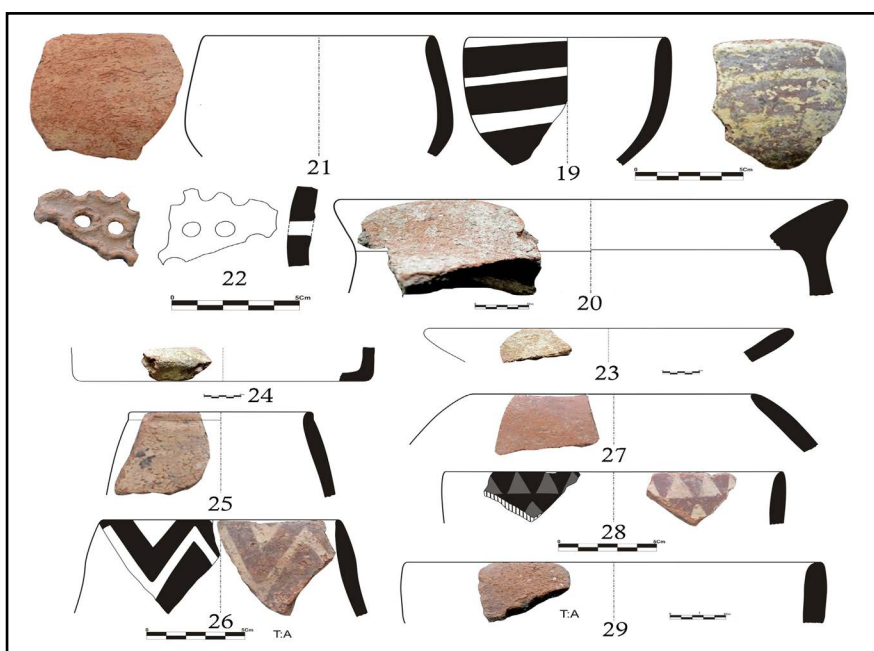
البته دلایل دیگری برای توسعه‌ی سنت عبید در سایر نقاط، مانند شمال بین‌النهرین، شرق آناتولی و غیره را نیز ذکر کرده‌اند. اشتاین گسترش عبید در مناطق شمالی را تدریجی و صلح‌آمیز می‌داند و آن را در قالب گسترش ایدئولوژی اجتماعی که جایگزین هویت پیشین حلفی شد، می‌داند (Stien, 2012: 128) که به شکل‌گیری یک هویت جدید قوی منجر شد که عناصر صوری و ظاهری آن در مواد فرهنگی عبیدی محلی در هر منطقه مجزا تجلی یافته است. حجم تجارت بین منطقه‌ای کم و حرکت‌های جمعیتی بسیار کم بوده است (Stien & Özbal, 2007: 329). زیربنای جامعه‌ی عبیدی در تولید، صنایع و تبادل است (Stien, 2010: 28). براساس این الگو از یک‌طرف ما با شهرهایی در شمال بین‌النهرین مواجهیم که برای نیازهای خود به ارتباطات گسترده نیاز دارند و از یک‌طرف جوامع کوچ‌نشین را در ایران شاهدیم که زندگی آن‌ها در گرو تحرک است. شاید بتوان برآیند وجود این دو گروه در ایران و بین‌النهرین وجود مواد فرهنگی از هر دو جامعه در مکانی چون تپه نمشیر دید. از دوره‌ی IV نمشیر را تعدادی یافته‌ی کوچک شامل ابزار سنگی (تصویر ۱/۱۵) از کارگاه A، و شیء سنگی مخروطی (تصویر ۹/۱۵) از کارگاه A شناسایی شد.

## نمشیر V

سفال‌های دوره‌ی V تپه نمشیر به سه گروه سفال‌های ساده، فشاری و منقوش دالمایی تقسیم می‌گردد (تصاویر ۱۳ و ۱۴). در این لایه، سفال‌های نخودی منقوش دوره‌ی IV (به‌غیر از نمونه‌های شاخص دوره‌ی دالما) دیده نمی‌شود. همه‌ی ظروف این لایه دست‌سازند و غالباً از پخت ناکافی برخوردارند. سفال‌های ساده دارای خمیره نخودی و قهوه‌ایی است و در اغلب موارد با پوشش رقیق کرمی رنگ تزیین شده‌اند،



▲ تصویر ۱۳. سفال دوره‌ی V نمشیر (دوره‌ی دالمایی)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).



▲ تصویر ۱۴. سفال دوره‌ی V نمشیر (دوره‌ی دالمایی)، (نگارندگان، ۱۳۹۵).

به‌نحوی که بخشی از پوشش سطحی آن‌ها از بین رفته است. شکل‌های مختلفی، مانند لیوان، کاسه‌های دهانه‌باز و نیز متمایل به داخل، کاسه‌های با دیواره‌ی قائم و تگارها را شامل می‌شود. در بدنه‌ی تعداد محدودی از آن‌ها سوراخ‌های متعددی ایجاد شده است. سفال‌های منقوش دارای بدنه‌ی نخودی تا قهوه‌ای‌رنگ روشن است



► تصویر ۱۵. منتخبی از یافته‌های کوچک به‌دست آمده از تپه نمشیر (نگارندگان، ۱۳۹۵).

و بر روی سطح آن‌ها پوشش کرمی رنگ تا نخودی است. نقوش به دو رنگ قرمز (۸۳ درصد) و سیاه (۱۷ درصد) ایجاد شده و شامل ردیف‌های مثلثی، جناغی، باندهای پهن اریب، خطوط هاشوری متقاطع، خطوط موازی، لوزی‌ها، و نوارهای پهن از بالا به پایین به‌صورت مورب و مثلث‌های آویزان از لبه تا کف ظرف است. چنین تزییناتی، شاخص سنت سفال دالما است. شکل آن‌ها شامل ظروف مدور، دهانه‌باز، لیوان‌ها و کاسه‌های با دیواره قائم است. گونه‌ی سوم سفال‌ها از نوع ظروف فشاری است. رنگ بدنه‌ی آن‌ها شامل نخودی، قهوه‌ایی و خاکستری است و دارای پوشش ضعیفی هستند. شکل عمده‌ی آن‌ها را کاسه‌های با بدنه‌ی متمایل به داخل تشکیل می‌دهد. لبه‌ی آن‌ها نازک‌تر از بدنه است و نسبت به بدنه دارای انحنا است و این قسمت از ظرف عاری از نقوش فشاری است. سفال‌های مشابه این لایه را می‌توان در دوره‌ی دالمای کول تپه (Abedi et al., 2014: fig 8-10)، تپه دالما (Hamlin, 1975)، و دوره‌ی گودین X در تپه‌ی سه‌گابی B (Henrickson, 1985: figs 7-9) مشاهده کرد. نمونه سفال‌های سنت دالما در تپه نمشیر با نقوش فشاری (انگشتی)، نقوش هندسی زیگزاگ‌ها بر بدنه‌ی طیف قرمز شبیه نمونه‌های دوره‌ی گودین X (Young & Levine, 1974) و تپه دالما (Hamlin, 1975)، دوره‌ی اولیه سیاه‌بید در ماهیدشت قابل مقایسه است (Levine & Young 1987: fig 15/1).

یافته‌های کوچک این دوره شامل دو انگشتر بزرگ و کوچک سنگی (تصویر ۱۰/۱۵) از کارگاه A و یک ابزار سنگی (تصویر ۳/۱۵) ايسدینی از کارگاه B است.

تاریخ پیشنهادی لایه‌ی V تپه نمشیر براساس نتایج کربن ۱۴ به‌دست آمده از تپه‌های با سنت دالمایی به اواخر هزاره‌ی پنجم و اوایل هزاره‌ی چهارم ق.م. برمی‌گردد. این نتایج در لایه‌ی X تپه گودین تاریخ ۴۱۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م. (Henrickson, 1985: 70)، و در تپه دالما تاریخ ۴۱۲۵±۸۴ (Hamlin, 1975: 119) را نشان می‌دهد که براین اساس می‌توان تاریخ اواخر هزاره‌ی پنجم و اوایل هزاره‌ی چهارم را برای این تپه پیشنهاد کرد، اما با در نظر گرفتن وجود سنت عبیدی در لایه‌ی IV تپه نمشیر که جدیدتر از لایه‌ی V است تا حدودی در این گاهنگاری باید تأمل کرد و شاید بتوان تاریخی قدیمی‌تر را در نظر گرفت. در طول دوره‌ی عبید ۳ و ۴ فرهنگ عبید در سراسر بین‌النهرین گسترش می‌یابد و برای اولین بار شمال و جنوب بین‌النهرین دارای فرهنگ واحدی می‌گردند. عبید به خوزستان (فازهای بیات و مهمه)، شمال غرب ایران، سوریه و شرق عربستان سعودی نفوذ می‌کند (Jasim, 1985: vi). براساس پژوهش‌های صورت گرفته، تاریخ‌های پیشنهادی برای پایان سنت عبیدی در شمال بین‌النهرین شامل ۴۴۰۰ ق.م. (Ur, 2009: 339)، ۴۳۰۰ ق.م. (Carter & Graham, 2010: 2)، ۴۴۰۰ ق.م. (Akkermans, 1988: 131)، ۴۵۰۰ ق.م. (Stein et al., 2013: 33; Stein 2012: 125) و ۴۲۰۰ ق.م. (Stien & Özbal, 2007: 331) است. براساس نظر اور که مبتنی بر داده‌های کربن ۱۴ است، دوره‌ی عبید در شمال بین‌النهرین از ۵۲۰۰ تا ۴۴۰۰ ق.م. تداوم داشته و پس از آن دوره‌ی مس‌وسنگ جدید ۱ از ۴۴۰۰ تا ۴۱۰۰ ق.م. آغاز می‌شود (Ur, 2009: 97). یکی از معضلات پیشنهاد این تاریخ برای گاهنگاری تپه نمشیر، ضعف شناخت ما از ارتباطات ایران و بین‌النهرین در این زمان است. دوره‌ی ۴۵۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م. (بعد از عبید و قبل از دوره‌ی اوروک میانه) ارتباطات بسیار ضعیفی بین جنوب و شمال بین‌النهرین وجود داشت. در این زمان ما می‌توانیم به وضوح غلبه‌ی فرهنگ‌های محلی (نه عبیدی و نه اوروکی) را در شمال منطقه ببینیم (Stien et al., 2013: 33). گیل اشتاین و همکاران او تاریخ ۴۵۰۰ (?) تا ۴۲۰۰ ق.م. را برای دوره‌ی مس‌وسنگ جدید ۱ (با سفال‌های مشابه دوره‌ی III نمشیر) شمال بین‌النهرین در نظر می‌گیرند. بعد از ۴۵۰۰ ق.م. ارتباطات ضعیفی در حوزه‌های تعامل عبیدی ظاهر می‌شود و در طول آن سفال‌های منقوش عبیدی در شمال بین‌النهرین در طول دوره‌ی گذر مس‌وسنگ جدید ۱ (۴۵۰۰-۴۲۰۰ ق.م.) به تدریج کم می‌شود (Stien, 2012: 132). این گاهنگاری در محوطه حمام‌الترکمن در شمال سوریه نیز تقریباً همین تاریخ را نشان می‌دهد. براساس گاهنگاری به‌عمل آمده از این اثر، دوره‌ی IV محوطه‌ی حمام‌الترکمن دارای آثار عبید شمالی است که در ۴۴۰۰ ق.م. به اتمام می‌رسد. بنابر تاریخ‌های فوق باید در تاریخ‌های قدیمی دوره‌ی دالما تجدید نظر کرد و تاریخ قدیمی‌تری را در نظر داشت. تاریخ‌گذاری ۴۴۰۰/۴۵۰۰-۵۰۰۰ ق.م. لایه‌ی VIII کول تپه استان آذربایجان شرقی که مانند تپه نمشیر V در زیر لایه‌ی با سفال‌های نخودی منقوش واقع شده (Abedi et al., 2014: 37) با گاهنگاری نسبی نمشیر مطابقت بیشتری دارد.

براساس بررسی‌های صورت گرفته در شهرستان‌های شرقی استان کردستان (ساعدموچشی، ۱۳۹۲ و ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب) و نیز وجود آثار دالمایی در



غارها و پناهگاه‌ها (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۱) و هم‌چنین الگوهای پیشنهادی کوچ‌نشینی در زاگرس مرکزی (Henrickson, 1985; Abdi, 2003) و جنوبی (Hel-wing, 2005: 47) می‌توان وجود جوامع کوچ‌نشین را نیز عاملی در گسترش و پراکندگی سنت سفال‌دالمایی در نظر گرفت. علاوه‌بر این، سنت سفال‌دالمایی نیز در همین دوره، در محوطه‌های شمال بین‌النهرین و در منطقه‌ی حمیرین (هنریکسون و ویتالسی، ۱۳۸۸: ۱۶۵) گزارش شده است که می‌تواند ارتباطی دو سویه توسط کوچ‌روهای بین ایران و بین‌النهرین را نشان دهد. البته نباید تمامی محوطه‌های دوره‌ی دالما را مردمانی کوچ‌نشین فرض کرد، شاید بخشی از آن‌ها که به صورت کوچ‌نشین زندگی می‌کردند، عامل این تبادل بوده‌اند. علاوه‌بر سفال، وجود تعداد قابل توجهی قطعات افسدین چه به صورت ابزار و چه به صورت دورریز نشان‌بر تعامل احتمالی این محوطه با مناطق شرقی آناتولی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است که بازهم می‌توان به نقش احتمالی کوچ‌روها در این امر اشاره کرد.

### نتیجه‌گیری

تپه نمشیر، در شهرستان بانه‌ی استان کردستان، بین دو حوزه‌ی ایران و بین‌النهرین واقع شده است. این منطقه در شمال با استان آذربایجان غربی و از غرب با عراق همسایه است و همین امر باعث شده تا شاهد مواد فرهنگی مشابه این مناطق باشیم. لایه‌ی I تپه نمشیر متعلق به دوره‌ی اسلامی است. سفال‌های به دست آمده از نوع قهوه‌ایی با شاموت شنی است. این سفال‌ها از دوره‌ی میانه اسلامی تا دوره‌ی معاصر در غرب ایران رایج بوده است. دوره‌ی II نمشیر معرف سنت سفال نخودی و قرمز عصر آهن III در غرب و شمال غرب ایران است. دوره‌ی III نمشیر مشابه دوره‌ی مس‌وسنگ جدید ۱ و ۲ شمال بین‌النهرین و نیز دوره‌ی مس‌وسنگ جدید II و III شمال غرب ایران است. براساس کاوش‌ها و بررسی‌های انجام شده در استان کردستان سنت مس‌وسنگ جدید با دوره‌ی گودین VII و VI گودین شباهت دارد و شناسایی سفال‌های ساده‌ی کاهرو در تپه نمشیر، دال‌بر تفاوت‌های فرهنگی در این دوره در استان کردستان است. در دوره‌ی IV نمشیر سفال‌های نخودی مشابه سه‌گابی، سیاه‌بید متأخر و شبه‌عبیدی بین‌النهرین شناسایی گردید. به دست آمدن سفال‌های شبه‌عبیدی در این محوطه، به همجواری این ناحیه با بین‌النهرین و نیز گسترش سنت عبیدی غرب و شمال غرب ایران اشاره دارد. یکی از نکات قابل تأمل دوره‌ی IV نمشیر وجود سفال‌های عبیدی با ویژگی‌های محلی است. دوره‌ی V نمشیر معرف سفال‌های شاخص دوره‌ی دالما است. این سنت به‌طور گسترده‌ای در غرب و شمال غرب ایران گسترش یافته و نشانه‌های آن را می‌توان در شمال غربی استان کردستان، مانند تپه نمشیر مشاهده کرد. وجود سفال‌های نخودی منقوش در لایه‌ی IV نمشیر دال‌بر قدمت اوایل تا اواسط هزاره‌ی پنجم ق.م. برای دوره‌ی V است. نکته‌ی قابل توجه در کاوش تپه نمشیر در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی در شناخت مواد فرهنگی است؛ به نحوی که در دوره‌ی مس‌وسنگ جدید با دو سنت متفاوت در استان روبه‌رو باشیم، به طوری که از یک‌طرف سفال‌های مشابه زاگرس مرکزی و از سوی دیگر سفال‌های مشابه شمال غرب ایران و شمال بین‌النهرین را شاهد هستیم. همین عامل، نیاز به شناخت مواد فرهنگی منطقه‌ای را می‌طلبد.

## سپاسگزاری

در راستای نگارش نوشته‌ی حاضر از نظرات ارزشمند پژوهشگران ارجمند، شامل: پروفسور گیل اشتاین (Gil J Stein)، پروفسور لوئیس لوین (Louis D Levine)، جناب آقایان دکتر عباس مترجم، دکتر سجاد علی بیگی، دکتر حسین صدیقیان، دکتر مهناز شریفی، دکتر اکبر عابدی، دکتر علی بیننده، سیروان محمدی قصریان، و محسن حیدری بهره‌مند بودیم؛ از ایشان کمال سپاس و قدردانی را داریم. هم‌چنین قدردان زحمات خانم زهرا غفاری، مژگان سیف‌پناهی و آقای ذبیح‌الله بختیاری جهت طراحی سفال، اشیاء و مقطع کارگاه‌ها هستیم.

## کتابنامه

- ساعدموچشی، امیر، ۱۳۹۰، «بررسی الگوهای استقرار شرق استان کردستان (حاشیه‌ی رودخانه‌ی قزل‌اوزن)، رساله‌ی مقطع دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، (منتشر نشده).
- ساعدموچشی، امیر. ۱۳۹۲، «حوزه آبیگر رودخانه‌ی قزل‌اوزن در دوره‌ی مس‌وسنگ: براساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار»، مجله علمی پژوهشی *نامه باستان‌شناسی*، شماره ۵، صص: ۲۵-۵۰.
- ساعدموچشی، امیر و آذرشب، علیرضا و غفاری، زهرا، ۱۳۹۱، «شواهد استفاده از غارهای سنگی صعب‌العبور دوره‌ی دالما در غرب»، *مجله پیام باستان‌شناس*، صص: ۳۷-۵۰.
- ساعدموچشی، امیر و نیکنامی، کمال‌الدین و کریمی، زاهد و عزیززی، اقبال و بهنیا، علی، ۱۳۹۰ الف، «الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌سنگی میانه رودخانه‌ی تالوار (شهرستان‌های دهگلان و قروه)»، *مجله پیام باستان‌شناس*، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص: ۱۷-۳۴.
- ساعدموچشی، امیر و نیکنامی، کمال‌الدین و مشکور، مرجان و فاضلی‌نشلی، حسن و فیروزمندی شیرجینی، بهمن، ۱۳۹۰ ب، «گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره‌ی مس‌وسنگ میانه در غرب ایران»، *مجله نامه‌ی باستان‌شناسی*، شماره اول، دوره اول، صص: ۳۱-۵۶.
- فاضلی‌نشلی، حسن، ۱۳۸۵، *تغییرات سیاسی-اجتماعی دشت قزوین کاوش‌های باستان‌شناسی تپه قبرستان*، فصل سوم، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
- فرهنگ آبادی‌های استان کردستان، ۱۳۹۰، استانداری استان کردستان.
- قمری فتیده، محمد، ۱۳۸۹. *بررسی باستان‌شناختی حوضه‌ی آبیگر سد چومان بانه*، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کارگر، بهمن، ۱۳۷۲، «بررسی و گمانه‌زنی در اهرنجان و قره‌تپه دشت سلماس»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- کریمی، زاهد، ۱۳۹۰ الف، «گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه قاضی‌خان شهرستان بانه»، آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- کریمی، زاهد، ۱۳۹۰ ب. «گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه آرم‌رده شهرستان بانه»، آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان

کردستان (منتشر نشده).

- کریمی، زاهد، ۱۳۹۱، گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه نمشیر شهرستان بانه، آرشیو اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان، (منتشر نشده).

- لوشای شمایسر، اینگه‌بورگ، ۱۳۸۵، سفال‌های کاروانسرای قدیمی، «بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷»، به کوشش: ولفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه: فرامرز نجدسمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث‌فرهنگی، صص: ۲۰۷-۲۸۴.

- نوری، نادر، ۱۳۸۹، «بررسی و شناسایی شهرستان بانه»، آرشیو سازمان میراث‌فرهنگی (منتشر نشده).

- هنریکسون، الیزابت، ویتالی، ویندا، ۱۳۸۸، «سنت سفالی دالما: همگرایی فرهنگی بین منطقه‌ای در پیش‌از تاریخ مناطق مرتفع غرب ایران»، ترجمه: اکبر عابدی، مجله باستان‌پژوه، سال دوازدهم، شماره ۱۸، صص: ۱۵۱-۱۶۳.

- Abdi, K. 2003, "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory* 17(4): 395-448.

- Abedi, A. H. Khatib Shahidi, Ch. Chataigner, K. Niknami, N. Eskandari, M. Kazempour, A. Pirmohammadi, J. Hosseinzadeh, & Gh. Ebrahimi, 2014, "Excavation at Kul Tepe (Hadishahr), north-western Iran, 2010: first preliminary report", *ANES* 51: 33-165.

- Abu Jayyab, Khalid, 2012, *A ceramic chronology from Tell Hamoukar's southern extension, After the Ubaid. Interpreting change from the Caucasus to Mesopotamia at the dawn of urban civilization (4500-3500 B.C.)*, Papers from The Post-Ubaid Horizon in the Fertile Crescent and Beyond. International Workshop held at Fosseuse, 29th June-1st July 2009. Edited by Catherine Marro.

- Akkermans, M. M. G. P. 1988, "An Updated Chronology for the Northern Ubaid and Late Chalcolithic Periods in Syria: New Evidence from Tell Hammam Et-Turkman", *Iraq*, Vol. 50: 109-145.

- Altaweel, M., M. A., Muhl, S., Nieuwenhuyes, O., Radner, K., Rashied, K. and Ahmad Saber. 2012, "New investigation in the environment, history and archaeology of the Iraqi hilly flanks: Shahrizor survey project 2009-2011". *Iraq* 74: 1-35.

- Carter, R. A, & Graham, P., 2010, "Deconstructing the Ubaid", *Studies in ancient Oriental civilization*, No. 63, Beyond the Ubaid: 1-22.

- Hamlin, C., 1975, "Dalma Tepe", *Iran* 13: 111-128.

- Helwing, B., 2005, "Early complexity in highland Iran: recent archaeological research into the chalcolithic of Iran", *TUBA-Ar* 8: 39-60.

- Henrickson, F. E., 1983, *Ceramic style and cultural interaction in the early and middle chalcolithic of the central Zagros, Iran*. Doctoral dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto.

- Henrickson, F. E., 1985, "An updated chronology of the early and middle chalcolithic of the central Zagros highlands. Western Iran", *Iran* XXIII: 63-108.

- Jasim, S. A., 1985, *The Ubaid Period in Iraq*, Recent excavations in the

Hamrin region, BAR International Series 267 (i).

- Kepinski, Ch., 2011, "New evidence from Gari Resh, Northern Iraq- the 2001 and 2002 seasons A pre-Uruk expansion site from the late chalcolithic period," *ZORA* 4: 47-85.

- Levine, Louis, D. & Young, T. Cuyler., 1987, "A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C.", *Colloques Internationaux CNRS, Prehistoire De La Mesopotamie*, Paris: editions du *CNRS Paris* 1984, PP. 15-53.

- Oates, J., 2010, "More thoughts on the Ubaid period", *Studies in ancient Oriental civilization*, No. 63, Beyond the Ubaid: 45-50.

- Rothman S. M., 2002, *Tepe Gawra: The evolution of a small, prehistoric center in northern Iraq*, Philadelphia, University of Pennsylvania.

- Stein, J. G., 2012, "The development of indigenous social complexity in late chalcolithic upper Mesopotamia in the 5<sup>th</sup> -4<sup>th</sup> millennia BC- An initial assessment", *Origini* XXXIV: 125-151.

- Stein, J. G. Alizadeh, A., 2014, *Surezha, Kurdistan. Oriental Institute 2-13-2014 Annual Report*, Pp. 133-146, Chicago, Oriental Institute Publications.

- Stein, J. G. Alizadeh, A. Ahmadzadeh, L. Alden, J. Backhaus, H. Coutouraud, B. Fahimi, H. Harris, S. Lieber, K. Omidfar, M. and Price, M., 2013, "Preliminary Report on the First Season of Excavations at the Chalcolithic site of Surezha in the Erbil Govern at Kurdistan Region, Iraq", *Iranian Archaeology*, No. 4: 32-41.

- Stien, G. J., 2010, "Local identities and interaction spheres: Modeling regional variation in the Ubaid horizon", *Studies in ancient Oriental civilization*, No. 63, Beyond the Ubaid: 23-44.

- Stien, G. Özbal, R., 2007, *A tale of two oikumenai: Variation in the expansionary dynamics of Ubaid and Uruk Mesopotamia, in Settlement and Society*, Essays dedicated to Robert McCormick Adams, E. Stone ed., University of California, Cotsen Institute of Archaeology and the Oriental Institute of the University of Chicago, Los Angeles and Chicago: 329-342.

- Tobler, A. J., 1950, *Excavations at Tepe Gawra*, Vol II, Philadelphia, University of Pennsylvania press.

- Ur, A. J., 2009, "Cycles of Civilization in Northern Mesopotamia, 4400-2000 B.C.", *Journal of Archaeological Research*: 1-97.

- Ur, A. J., 2010, *Urbanism & cultural landscapes in northeastern Syria, the Tell Hamoukar survey, 1999-2001*, Chicago, Oriental Insititute Publications. Vlo 137

- Young, T. C. & Levine, L. D., 1974, *Excavations of the Godin Project, Second progress report*, Art and Archaeology Occasional papers No. 26, Royal Ontario Museum, Toronto.